

بررسی تأثیر فضای شهری بر احساس امنیت زنان

(نمونه موردی: محله جهانگیرآباد شهر خرم آباد)

شهاب فلاح پور^۱، نوشین نظری^۲، حجت فلاح پور^۳

چکیده

به دنبال گسترش شهر و شهرنشینی در دوران معاصر و هم‌زمانی آن با تحولات فرهنگی زاده‌ی مدرنیسم، جهان شاهد حضور پررنگ‌تر زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی بوده است. به تبع این حضور، موضوعات تازه‌ای در باب فضاهای شهری و زنان مطرح می‌شود. یکی از این مسائل، وجود فضاهای فاقد امنیت در شهرهاست که باعث ایجاد حس ناامنی در شهروندان، خصوصاً زنان به‌عنوان یک قشر آسیب‌پذیر می‌شود. در همین راستا هدف این پژوهش تأثیر فضای شهری بر احساس امنیت زنان در محله حاشیه‌نشین جهانگیرآباد در شهر خرم‌آباد می‌باشد. در این پژوهش از نظریات پنجره شکسته ولسون و کینگ، فضای قابل دفاع نیومن، چشم‌های خیابان جیکوبز، نظریه پیشگیری از جرم به‌وسیله طراحی محیط و نظریه فمینیستی استفاده شده است. پژوهش به روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه انجام شده است. نمونه پژوهش را ۳۸۴ نفر از زنان ساکن محله جهانگیرآباد شهر خرم‌آباد تشکیل می‌دهند. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود رابطه مستقیم و معنادار بین فضای شهری و احساس امنیت زنان است. در مقایسه نقش ویژگی‌های کالبدی فضای شهری بر احساس امنیت بیش از ویژگی‌های غیر کالبدی آن است.

واژگان کلیدی: فضای شهری، فضای کالبدی و غیر کالبدی، احساس امنیت زنان

^۱ دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر، عمران و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، shahab.falahpoor@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

^۳ دانشجوی دکتری علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، خرم‌آباد، ایران

مقدمه و بیان مسئله

گسترش شهرنشینی موجب پیچیده‌تر شدن ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی شهر و بروز ناامنی در فضاهای شهری شده است. همچنین روابط بین فضا و انسان، در محیط شهری، معنای جدید یافته است؛ اما می‌توان ادعا کرد آنچه در این میان از نظر ماهیتی و نه شکلی، تغییر نکرده، نیاز به امنیت است.

امنیت از مهم‌ترین توقعات برای زندگی مطلوب در شهرهاست و جنسیت از مهم‌ترین عامل شخصیتی در درک امنیت و احساس امنیت اجتماعی از مؤلفه‌های سرزندگی فضاهای عمومی محسوب می‌شود. یکی از موارد مهم که باعث کاهش سرزندگی در فضاهای عمومی می‌شود فقدان احساس امنیت زنان در فضاهای باز عمومی شهرهاست (تازیکی، ۱۳۹۲: ۴).

فضای عمومی شهر، صحنه‌ی نمایش زندگی روزمره مردم است و در تقابل با فضای زندگی خصوصی تعریف می‌شود. از دیدگاه تیبالدز عرصه‌های عمومی مهم‌ترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند. در چنین عرصه‌هایی، بیشترین تماس، ارتباط و تعامل بین انسان‌ها رخ می‌دهد. این عرصه‌ها تمام بخش‌های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی آزاد فیزیکی و بصری دارند، دربرمی‌گیرد و یا به تعبیری دیگر فضاهای شهری، فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که به‌نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌باشند، یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند (Mirsaeedy, Kordjazi, 2014). اهمیت فضای عمومی به دلیل نقشی است که در توسعه جامعه بازی می‌کند؛ به عبارتی چنانچه دسترسی برابر به عرصه‌ی عمومی برای همه‌ی جامعه فراهم شود، تهدید تمایز و جدایی اجتماعی کاهش می‌یابد و تنوع فرهنگی شکل یافته، می‌تواند فضای عمومی را تبدیل به مکانی نماید که افراد و گروه‌های مختلف بتوانند در اجرای قوانین خود گزیده، مشارکت کنند. لذا اولین گام برای دستیابی به عرصه‌ی عمومی که ضامن تحقق جامعه‌ی مدنی است، تشویق مردم خصوصاً زنان به حضور در فضای عمومی و یا فراهم نمودن دسترسی برای همه‌ی افراد و گروه‌ها به آن است (افصح حسینی، ۱۳۸۴: ۴۰).

در عصر حاضر، محیط‌های نامطلوب شهری مشکلات بسیاری را برای امنیت شهروندان ایجاد کرده و در رشد آسیب‌های اجتماعی مؤثر بوده‌اند. با گسترش این آسیب‌ها، امنیت رنگ می‌بازد و بر میزان جرم افزوده می‌شود؛ مردم در کنش‌های اجتماعی محتاطانه عمل می‌کنند و با هر اتفاقی، ترس و دلهره‌ی آنان دوچندان می‌شود و در نتیجه، احساس ناامنی می‌کنند. امنیت اجتماعی آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه‌ای موظف است در زمینه‌های شخصی، اقتصادی، سیاسی و قضایی آن را برای جامعه و اعضای آن فراهم کند. امنیت نداشتن زنان در فضاهای شهری، مشارکت کامل آنان را در اجتماع محدود می‌کند و علاوه بر آسیب‌های روانی بر فرد، خانواده و جامعه را نیز متأثر خواهد کرد (Day, Stump & Carren, 2003: 311).

امنیت اجتماعی با فضا و ساخت و ساز شهری ارتباط معناداری دارد. برنامه ریزان و طراحان شهری معتقدند شهرها برای اینکه ایمن باشند باید برای همه‌ی گروه‌های سنی و جنسی ساخته شوند و در ساخت آن‌ها تفاوت‌های سنی و جنسیتی مورد توجه قرار گیرد. در حالی که جامعه‌ی ما روزه‌روز بیش از گذشته شهری می‌شود، باید با تأکید بر جمعیت، سن و طبقه، به نیازهای ملموس و محسوس شهروندان نیز توجه کرد (Tabrizia & Madanipour, 2006: 935).

زمینه‌های احساس ناامنی یکی از مهم‌ترین مسائل فضاهای شهری محسوب شده، به‌موجب آن شرایط برای وقوع جرائم بسیار مستعدتر است. احساس امنیت در فضاهای شهری یکی از شاخص‌های کیفیت فضا محسوب می‌شود و به‌رغم آنکه مسئله فضای امن شهری در هر جامعه یک مسئله پیچیده و دارای ابعاد متنوع و متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. ولی تأمین این نیاز نمی‌بایست از نقش و تأثیر عوامل محیطی و کالبدی غافل شد (لطفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۲).

فضاهای شهری به‌عنوان محیطی که رفتارهای عمومی انسان‌ها در آن جریان دارد، همواره در تعامل دوطرفه با انسان است. بنابراین، فضاهای شهری به‌عنوان بستری برای فعالیت‌های عمومی انسان باید از یک طرف به‌راحتی قابل درک و از طرف دیگر باید ایمن باشد (کیانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸). بنابراین وجود امنیت در محیط‌های شهری یکی از الزامات اساسی کیفیت زندگی محسوب می‌شود (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۰). امروزه با گسترده و پیچیده شدن جوامع، موضوع امنیت ابعاد گسترده و پیچیده‌ای به خود گرفته است. امنیت یکی از اصلی‌ترین عوامل پایداری جوامع امروزی به شمار می‌آید (هدایتی و عباسی، ۱۳۸۸: ۱۷۸). امنیت از نیازهای اساسی انسان است که نحوه‌ی پاسخگویی به آن تأثیر مستقیم در ارضای سایر نیازهای وی می‌گذارد. پرداختن به مقوله امنیت شهر از آنجا مهم است که پیوستگی متقابل میان امنیت و توسعه امری اجتناب‌ناپذیر است و سنجش امنیت ابزاری برای کنترل مناسب‌تر محیط‌های شهری به شمار می‌آید (نورایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲).

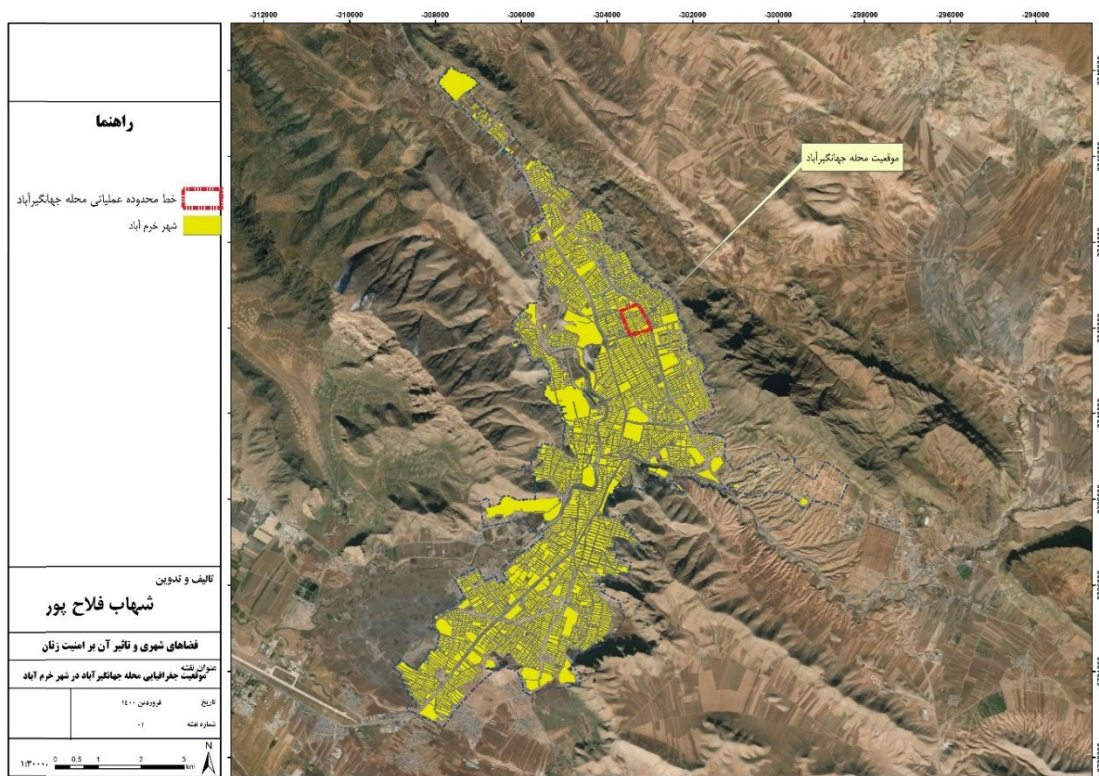
در این مقوله زنان به‌عنوان یک گروه اجتماعی که در سال‌های اخیر شاهد تغییر روزافزون نقش سنتی آن‌ها و اهمیت شان در نظام اقتصاد رسمی بوده‌ایم کیفیت و نوع حضورشان در عرصه عمومی تغییر ماهوی یافته به‌طوری‌که، هم آن‌ها و هم نظام‌های اقتصادی به‌عنوان کلیت بیشتر به‌سوی مذاکره‌ی دوباره و سازمان‌دهی الگوهای اجتناب‌ناپذیر دسترسی و تحرک پذیری زنان پیش می‌روند. نکته‌ی دیگر آن‌که زنان علاوه بر حضور در عرصه اقتصادی به دلیل انجام وظایفی از قبیل مراقبت از کودکان و سالمندان در ارتباط با فضای شهری قرار می‌گیرند. که این امر حضور اجباری زنان در فضای عمومی در اذهان تداعی می‌کند. به عبارتی زنان برای انجام فعالیت‌های اجباری در فضای شهری حضور پیدا می‌کند در این صورت، فضای شهری باید این امکان را برای زنان فراهم آورد که به‌واسطه فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی در فضای شهری قرار گیرند. تجربه زنان در زندگی شهری متفاوت از مردان است

و عوامل محدودکننده‌ای مانند خطر و ترس از جمله عناصر مؤثر در تجربه زنان در فضای شهری هستند؛ و بدین ترتیب استفاده زنان از فضای شهری را محدود می‌نماید.

با توجه به این موضوع، امنیت و میزان آن برای کلیه نظام‌های سیاسی و شهروندان به‌ویژه زنان به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه، صرف‌نظر از سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی و نوع ایدئولوژی مهم‌ترین و با اولویت‌ترین مسئله به شمار می‌آید.

بنابراین با توسعه و رشد روزافزون شهرها به‌عنوان بستری برای انجام فعالیت‌های اجتماعی در صورت عدم برنامه‌ریزی صحیح و همچنین پژوهش‌های اجتماعی مؤثر، مکان‌هایی برای بروز انواع جرائم شهری و نقطه تمرکز برای انجام فعالیت‌های غیرمجاز و ناهنجار ایجاد می‌گردند. در واقع فضاهایی فاقد امنیت ایجاد می‌شوند که احساس ترس و ناامنی برای افراد مختلف جامعه به وجود می‌آورند. واضح است، طراحی و استفاده از فضای شهری می‌تواند جرم و جنایت را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع، اگر هدف فضا به‌طور مشخص و روشن در نظر گرفته یا تعیین نشده باشد ضعیف تعریف می‌شود و قادر نمی‌باشد که از ایجاد فرصت‌های جرم و جنایت جلوگیری کند. هرچند این فضا است که بر میزان احساس امنیت تأثیر می‌گذارد اما فاکتورهای دیگری از جمله سن و سال و میزان ادراک فرد و تربیت شخصیتی وی نیز با درک احساس امنیت در ارتباط است.

براین اساس، با توجه به اینکه نیمی از جامعه شهروندان را زنان تشکیل می‌دهند و علایق و خواسته‌های آن‌ها کمتر در طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری موردتوجه عنایت قرار گرفته و می‌گیرد، پرداختن به چالش‌ها و مسائل مبتلابه زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد لذا در این پژوهش از میان موضوعات متعددی که زنان به‌ویژه زنان جوان در فضاهای شهری با آن‌ها روبرو هستند و کمتر موردبررسی قرار گرفته‌اند، موضوع احساس امنیت زنان به‌عنوان موضوع محوری موردتوجه قرار گرفته است و سعی خواهد شد با بررسی ادبیات نظری و تجربی تحقیق در، به بررسی موضوع احساس امنیت زنان و عوامل مؤثر بر آن در شهر خرم‌آباد بپردازد.



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی محله جهانگیرآباد

ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت مطالعه و تحقیق در خصوص مسئله امنیت و عوامل تاثیرگذار بر احساس امنیت از آنجا ناشی می شود که بررسی مفهوم امنیت نشان داده است که هرچند تشخیص نموده های این مفهوم نسبتاً ساده است، اما اغلب در زندگی روزمره با آن مواجه هستیم و آن را تجربه می کنیم و بسیاری از اعمال و رفتار ما به امنیت اتکا و بر مبنای آن تنظیم می گردد (امیر کافی، ۱۳۸۵: ۲). امنیت به روند توسعه و رشد همه اقشار مردم کمک می کند و سرانجام به توسعه همه جانبه جامعه می انجامد آسودگی خاطری که در سایه امنیت بروز می یابد موجب رشد است (نصری، ۱۳۸۲).

تا زمانی که از نظر فرد، امنیت در جامعه وجود نداشته باشد، سپس احساس امنیت نیز نخواهد کرد تا زمانی که زنان در مدرسه، دانشگاه، محیط کار، مکان های عمومی، خیابان و... احساس آرامش نداشته باشند، مسلماً احساس امنیت نیز نخواهند کرد پس نگرانی از تجاوز جنسی، آزار و اذیت در محیط کار، احساس خطر در رفت و آمد در سطح شهر و... همگی می توانند در احساس امنیت اجتماعی زنان مؤثر واقع شوند؛ به طوری که نتایج طرح نیازسنجی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان کشور که توسط مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری انجام شده، نشان

می‌دهد یکی از عمده‌ترین مسائل و مشکلات زنان کمبود امنیت است که این مسئله در ردیف اولین دغدغه‌های زنان قرار گرفته است و چه بسا این امر سبب محدودتر شدن فعالیت زنان در محیط‌های عمومی شده، حضور زنان در شهر را به‌عنوان یک شهروند فعال با مشکل مواجه می‌سازد (نوروزی و فولاد سپهر، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

افزون بر این، زنان سرمایه اجتماعی وسیعی برای جوامع به شمار می‌روند که بدون آگاهی از مفهوم امنیت اجتماعی و شرایط تحقق آن نمی‌توان به پیشرفت و توسعه همه‌جانبه امید چندانی داشت بنابراین در صورتی که به امنیت اجتماعی زنان توجه نشود و مسئله‌های ذهنی مربوط به ناامنی و ترس از خطرات بالقوه، کانون خانواده را مورد تهدید قرار دهد آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت (مجله زن و جامعه، ۸۲-۵۵). با توجه به ضرورت‌های بیان‌شده، تحقیق حاضر بر آن است که به بررسی احساس امنیت زنان در شهر خرم‌آباد بپردازد.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

فرهادی خواه و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در بافت فرسوده» به این نتیجه دست یافت که بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت شهروندان در بافت فرسوده رابطه معناداری وجود دارد. همچنین در بین شاخص‌های مورد بررسی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت داشته‌اند.

بیات (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تبیین ارتباط میان فضای شهری و احساس امنیت اجتماعی در شهر تهران» به این نتیجه دست یافت که پنداشت از امنیت، با توجه به متغیرهای جنسیت، محل سکونت، تأهل و سن پاسخگویان متفاوت است. همچنین بین منطقه سکونت افراد و پنداشت از امنیت، رابطه وجود دارد. در نهایت اینکه رابطه‌ی میان تعلق محله‌ای و پنداشت از امنیت معنادار است. بدین معنا که هرچه تعلق محله‌ای افزایش پیدا می‌کند، پنداشت ناامنی کاهش می‌یابد.

صالحی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه‌ی خود تحت عنوان «عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری» به بررسی عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت زنان در فضای شهری سبزوار پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای فردی سن، سطح تحصیلات، سابقه سکونت و وضعیت مسکن فاقد رابطه معنادار با احساس امنیت و وضعیت تأهل و شغل دارای ارتباط معنادار با احساس امنیت پاسخگویان هستند. همچنین از میان عوامل محیطی تأثیرگذار، متغیرهای اغتشاش محیط، تراکم ادراکی دارای ارتباط معکوس با احساس امنیت و متغیرهای احساس تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی و ارزشمند بودن زنان و کاربری ترکیبی و نوع پوشش دارای ارتباط مستقیم و متغیرهای استفاده از رسانه و نقشه شناختی فاقد هرگونه ارتباطی با احساس امنیت هستند.

ب) تحقیقات خارجی

آددجی^۱ و همکاران (۲۰۱۶). در مقاله‌ای تحت عنوان «نرده‌های مسکونی و ورودی منازل: مروری بر نابرابری اجتماعی و ناامنی شهری در شهر لورین نیجریه» که با استفاده از یک پرسشنامه بسته انجام شد، به این نتیجه رسیدند که اختلاط اجتماعی در منازل می‌تواند تأثیر قابل توجهی در کاهش ناامنی شهری داشته باشد.

فوستر^۲ و همکاران (۲۰۱۴) با یک مدل رگرسیون خطی تأثیرات ترس از جرم در پیاده‌روی افراد را در استرالیا بررسی و تحلیل کرده‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که با افزایش مداخلات و تصمیم‌گیری‌هایی می‌توان ترس از جرم را کاهش و میزان پیاده‌روی را افزایش داد.

مطالعه‌ای که برایان رنار و کولی^۳ (۲۰۱۱) با عنوان عوامل مؤثر در ایجاد احساس امنیت و رضایت مردم از عملکرد پلیس انجام داده‌اند، نتایج حاکی از آن است که بین احساس امنیت و پرهیز از اعمال تعصب‌های قومیتی، برخورد قانونی و غیرشخصی، خوش رفتاری و رعایت انصاف رابطه معناداری وجود دارد.

چارچوب نظری

با گسترش شهر در دوران معاصر و عوارض و مشکلات برخاسته از شهرنشینی از جمله پدیده جرائم و ناهنجاری‌های شهری موضوع تحقیقات علمی شده و دیدگاه‌های گوناگونی در این مورد بیان شده است. تعدادی به‌طور مستقیم به جنبه طراحی شهری و طراحی منظر و تأثیر آن بر کنترل جرم و ناهنجاری‌های رفتاری مانند جین جیکویز، اسکار نیومن تأکید کرده‌اند و برخی دیگر به جنبه‌های اجتماعی و روانشناسی موضوع و ارتباط آن‌ها با جرائم پرداخته‌اند، که هر دو این جنبه بر جرائم و ناهنجاری‌های رفتاری تأثیرات ژرفی دارند. به‌طور اساسی سنجش رابطه شهرنشینی و متغیرهای مربوط به آسیب‌های اجتماعی نشانگر تأثیر شهرنشینی بر گسترش و تشدید این متغیرهاست. هرچند این تأثیرات به‌صورت مستقیم باشد. از همین روست که شهر به نظر پارک و مکتب شیکاگو بهترین مکان برای ظهور پدیده بی‌سازمانی است (صالحی، ۱۳۸۷: ۵۲).

انواع فضاهای شهری، کاربری و کارکرد شهر در بروز جرم یا پیشگیری از آن مؤثرند، به‌طور مثال: در محدوده‌ی قمارخانه‌ها، سالن‌های استخر، ساختمان‌های بدون سکنه و... آمار جرم بالاست از طرف دیگر برخی فضاهای شهری مانع وقوع جرم می‌شوند به‌عنوان مثال اماکن و محدوده‌هایی با نورپردازی‌های مناسب، دید و چشم‌انداز خوب، حصار و یا نصب تابلو و علامت‌های هشدار و نگهبان از عوامل مهم در کاهش جرم محسوب می‌شوند (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹). که وجود جرم و جنایت می‌تواند بر امنیت و احساس امنیت افراد در شهر مؤثر است.

¹- Adjdzi

²- Foster

³- Renar & Kowli

با توجه به مسائل و مشکلات برخاسته از گسترش شهرها و جایگاه زنان در شهر به عنوان قشر آسیب پذیر در برابر ناامنی، در این پژوهش سعی بر این است که از رویکردهایی که نشان دهنده تأثیر فضای شهری بر روی احساس امنیت و همچنین حس امنیت در محیط است، استفاده شود. قابل ذکر است که ساختن فضاهای عمومی امن، تنها یکی از راه‌های کاهش فرصت‌ها برای تجاوز و ترس از جرم و جنایت است.

جین جیکوبز^۴ (۱۹۶۱)، محیط فیزیکی را در راستای اثر آن بر روی هنجارها و جرائم مورد بررسی قرار داد. وی به عامل خیابان بیش از هر عامل دیگری در ایجاد امنیت شهری معتقد است: «اگر خیابان‌های شهر از وحشی‌گری و ترس در امان باشند شهر از وحشی‌گری و ترس در امان است» (جیکوبز، ۱۳۸۸: ۱۳۲). وی از طریق بررسی‌هایش بیان می‌کند که تحرک، استفاده فعال در سطح خیابان، فعالیت در کوچه و خیابان و نظارت طبیعی بر فعالیت‌ها به عنوان عواملی که کمک می‌کند به ایجاد محیط شهری خوب مشخص شده است. جیکوبز به تنوع کاربری‌ها اعتقاد دارد. از نظر وی محله‌هایی که تنوع کاربری دارند از نظر امنیت-امن تر هستند. وی اعتقاد دارد که تنوع کاربری‌ها، فعالیت‌های متنوع را می‌طلبد و در ساعات مختلف افراد در محیط حضور دارند، حضور مداوم افراد در خیابان‌ها و پیاده‌روها ایجاد نظارت طبیعی می‌کند؛ و حضور غریبه‌ها در محیط شهری موجب امنیت می‌شود، به طور کلی تراکم و تنوع جمعیتی را نشانه‌ای از امنیت می‌داند (همان: ۱۵۵). در واقع، جیکوبز بر روی ویژگی‌های شکلی فضا (تنوع کاربری‌ها، شبکه راه‌ها) که هر کدام می‌تواند منجر به حضور مردم در فضا شود که این نیز به طبع منجر به احساس امنیت شود، تمرکز می‌کند.

نیومن^۵ نیز بر روی مسئله میزان جرائم در شهرها تأکید می‌کند. اصول و مبانی فضای قابل دفاع باهدف اصلاح ساختار کالبدی یک محله به گونه‌ای که ساکنان قادر باشند محیط اطراف خانه‌هایشان را کنترل کنند، شکل گرفته است؛ در واقع فضایی است که نظارت را ممکن می‌کند. نیومن به تأثیر انواع ساختمان یا همان بعد کالبدی بر رفتار اجتماعی، تأثیر عوامل اجتماعی بر عوامل کالبدی و عوامل مؤثر در جرم می‌پردازد.

وی بیان می‌کند ساختمان باید دیدن را برای مردم تأمین کند، نظارت تأثیر مهمی در کاهش ترس و اضطراب ساکنین و ارتقاء امنیت دارد. با توجه به اینکه دسترسی راحت به مسیرهای فرار، میزان ناامنی را در محلات افزایش می‌دهد نیومن بر وجود بن‌بست‌ها و مسیرهای محصور شده تأکید می‌کند و اختلاط کاربری‌ها و تراکم جمعیت و در نتیجه حضور غریبه‌ها را در محیط‌های شهری موجب ناامنی می‌داند. از نظر نیومن فضای کالبدی شهر چنانچه امر نظارت را امکان‌پذیر سازد می‌تواند احساس امنیت را افزایش دهد.

رویکرد پیشگیری از جرائم با استفاده از طراحی محیطی مفاهیم مشترکی با فضای قابل دفاع نیومن دارد. بر این موضوع این اتفاق نظر جمعی وجود دارد که این رویکرد در دو بعد کاهش حقیقی جرائم در محیط‌های شهری از

1- Jacobs,J

2- Newman,O

یکسو و افزایش احساس ایمنی و امنیت فضایی در آنها می‌تواند مؤثر واقع شود. در این دیدگاه تغییرات محیط فیزیکی و اجتماعی برای افزایش امنیت بر پایه سه اصل صورت می‌گیرد:

مراقبت و نظارت: ایجاد شرایط کالبدی مناسب برای استفاده‌کنندگان از فضای شهری به نحوی که توانایی آنان را برای مشاهده مجرمین و افراد مشکوک افزایش داده، همچنین بر فعالیت‌های اجتماعی افراد در فضای شهری تأکید می‌شود تا نظارت انسانی را در مناطق افزایش دهد.

قلمرو گرایی: تشویق و ترغیب شهروندان برای استفاده هرچه بیشتر از فضاها و نیز افزایش حس مالکیت آنها به طوری که فرد مجرم آن را درک کرده و باعث کاهش آسیب‌پذیری محیط در مقابل جرم گردد. ایجاد قلمرو فضایی تنها با راهبردهای طبیعی مانند سنگ‌فرش‌های خیابان، چمن کاری و... مقدور است.

کنترل دسترسی: برای جلوگیری از ورود افراد مزاحم و مشکوک باید دسترسی به محیط را کنترل کرد که البته در اینجا باز بحث نظارت و حضور افراد و همچنین مشخص کردن عرصه‌های عمومی و خصوصی مطرح می‌شود. ایجاد کنترل از طریق: نگهبان، دوربین‌های مداربسته، گیاهان و... امکان‌پذیر می‌شود.

در تئوری پنجره شکسته به مقوله پیشگیری از جرم با تمرکز بر روی آگاهی ساکنین از رفتارهای مشکوک، حفاظت از محیط و پیامدهای آن ارتباط دارد. تئوری پنجره شکسته نشان می‌دهد، که تصویر محلات با حضور نورپردازی، مراقبت و نگهداری صحیح و نشانه‌ها، تأثیر بسیاری بر کاهش میزان ترس از جرم را دارد. بی‌نظمی در فضا موجب ترس و کناره‌گیری ساکنین از اجتماع می‌شود که منجر به کاهش تعامل در محله می‌شود. در نتیجه کاهش کنترل اجتماعی غیررسمی منجر به افزایش جرم می‌شود. در نتیجه، تکرار و تداوم بی‌تفاوتی محیط‌های با چنین ویژگی‌های مشهور به رفتارهای انحرافی گونه و جرم می‌انجامد.

موضوعی که برخی از نویسندگان فمینیست به آن اشاره می‌کنند، این است که به لحاظ تاریخی، شهرها را مردان ساخته و اداره می‌کنند و در فرایند برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی فضای شهری زنان در حاشیه قرار داشته‌اند. اگرچه زنان به‌عنوان خریدار و مهم برای ملاقات‌های اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه، بیش‌ترین استفاده‌کنندگان از مراکز شهری‌اند (فروزنده، ۱۳۸۳).

با توجه به این اظهارات فمینیست‌ها در این تحقیق از رهیافت فمینیست برابری استفاده شده است که دارای چهار شاخص برای نابرابری زنان مطرح می‌کند.

نخست آن‌که، زنان و مردان نه تنها موقعیت‌های متفاوتی در جامعه دارند، بلکه در موقعیت‌های نابرابری نیز قرار گرفته‌اند. زنان در مقایسه با مردانی که در همان جایگاه اجتماعی زنان جای دارند، از منابع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت‌های تحقیق نقش کمتری برخوردارند. دوم آن‌که این نابرابری از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد و از هیچ‌گونه تفاوت مهم زیست‌شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی‌شود. سومین مضمون نظریه نابرابری این است که هرچند افراد انسانی ممکن است از نظر استعدادها و ویژگی‌هایشان با یکدیگر تاندازه‌ای

تفاوت داشته باشند. اما هیچ‌گونه الگوی تفاوت طبیعی مهمی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز سازد. در واقع، همه انسان‌ها با یک نیاز عمیق به آزادی برای تحقیق نفس و نوعی انعطاف‌پذیری مشخص می‌شوند که باعث می‌شوند خودشان را با الزام‌ها و فرصت‌های موقعیت‌های زندگی‌شان تطبیق دهند.

نابرابری جنسی برای آن وجود دارد که زنان در مقایسه با مردان از قدرت کمتری برای برآوردن نیاز برای تحقق نقش برخوردارند، در حالی که هر دو در این نیاز سهیم‌اند. چهارم این‌که، همه نظریه‌های نابرابر فرض را بر این می‌گیرند که هم مردان و هم زنان می‌توانند در برابر ساختارها و موقعیت‌های اجتماعی نابرابر، واکنشی آسان و طبیعی از خودشان نشان دهند. به عبارت دیگر، آن‌ها بر این عقیده‌اند که دگرگون ساختن موقعیت زنان امکان‌پذیر است (ریترز، ۱۳۷۹: ۴۷۳).

فمینیست‌ها به تجربه متفاوت مردان و زنان در زندگی اشاره می‌کنند و بر مفهوم عدالت جنسیتی در فضای شهری تأکید دارند.

به‌طور کلی با توجه به نظرات مطرح شده می‌توان بعد کالبدی و غیر کالبدی را به‌عنوان ابعاد فضای شهری در نظر گرفت، که با مؤلفه‌هایی چون کاربری‌ها، عناصر طراحی محیط، شبکه راه‌های ارتباطی، شهرت محیط، عدالت جنسیتی و تجربه شخصی معرفی و سنجش می‌شوند.

اگرچه در نظریات و تحقیقات تجربی مطرح شده تأثیر مستقیم ابعاد کالبدی و غیر کالبدی فضای شهری بر احساس امنیت مورد تأکید قرار گرفته است، تأثیر غیرمستقیم آن‌ها بر احساس امنیت به‌واسطه تعامل و نظارت را هم می‌توان مطرح کرد. فضای شهری از طریق فرصتی که برای تعاملات بین مردمی فراهم می‌سازد می‌تواند بر احساس امنیت ساکنان محلات به‌ویژه زنان اثرگذار باشد.

همچنین فضای شهری با توجه به جنبه‌های کالبدی و غیر کالبدی می‌تواند منجر به افزایش میزان نظارت شود که این به‌نوبه خود منجر به افزایش احساس امنیت در سطح فضای شهری منجر می‌شود. بر این اساس تعامل و نظارت به‌عنوان متغیرهای واسطه تأثیرگذار بر احساس امنیت زنان در نظر گرفته شده است.

فرضیه‌های پژوهش

بین ویژگی‌های فضای شهری و احساس امنیت زنان رابطه معناداری وجود دارد.

الف: بین ویژگی‌های غیر کالبدی فضای شهری و احساس امنیت زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ب: بین ویژگی‌های کالبدی فضای شهری و احساس امنیت زنان رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین تعامل و احساس امنیت زنان رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین نظارت و احساس امنیت زنان رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین سن و احساس امنیت زنان رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر از نظر شیوهی جمع‌آوری داده‌ها پیمایشی است. جمعیت آماری کلیه زنان ۴۰-۱۵ ساله خرم‌آباد و واحد تحلیل فرد است و برای تعیین حجم نمونه، بر اساس فرمول تعیین حجم کوکران با خطای ۵ درصد نمونه‌ای ۳۸۴ نفری انتخاب شده است. شیوهی نمونه‌گیری این تحقیق، نمونه‌گیری تصادفی است که به تصادف از میان زنان ساکن محله حاشیه‌نشین جهانگیرآباد انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است و برای ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. برای محاسبه‌ی پایایی گویه‌های پرسشنامه از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است. پایایی سؤالات مربوط به احساس امنیت اجتماعی و متغیرهای واسط (تعامل و نظارت) ۹۵٪ می‌باشد که در حد قابل قبولی بوده است.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای مستقل و وابسته

فضای شهری: فضایی که افراد به‌سادگی امکان ورود به آن را دارند و استفاده از آن تابع شرایط خاصی نیست. که شامل دو بعد مصنوع (کالبدی) و اجتماعی (غیر کالبدی) می‌شود (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۴۹) و در تحقیق حاضر دو بعد کالبدی و غیر کالبدی فضای شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بعد کالبدی: عناصر کالبدی شهر نظیر ساختمان‌ها و زیرساخت‌های شهری و... و به تعبیر گاتمن فضای مصنوع (کالبدی) و شامل کاربری‌ها، عناصر طراحی محیط و شبکه راه‌های ارتباطی می‌شود که به‌وسیله ۳۸ گویه مورد بررسی قرار گرفته است.

بعد غیر کالبدی: بعد اجتماعی شکل شهر، با آرایش فضای ساختی و ارتباطات متقابل ویژگی‌های انسان‌هایی که آن را می‌سازند، از آن استفاده و بافت شهری را دارای ارزش می‌کنند سروکار دارد (همان: ۴۹) و شامل عدالت جنسیتی، تجربه شخصی و شهرت فضا می‌شود که با استفاده از ۱۱ گویه سنجیده شده است.

امنیت اجتماعی: امنیت نوعی احساس آرامش و آسایش درونی قلمداد می‌شود که از مؤلفه‌های فعال محیط حاصل شده و پس از ادراک ذهنی گونه‌ای احساس در امان بودن را به وجود می‌آورد. "احساس امنیت" نیز از قرارگیری انسان در شرایط محیطی به‌مثابه نوعی ادراک روانی حاصل می‌شود که از یک ساختار شهری و فرهنگی خاص با ساختار فرهنگی-اجتماعی دیگر متمایز می‌شود (حسینی، ۱۳۸۷: ۴۵). در این پژوهش احساس امنیت با استفاده از ۱۶ گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

تعریف متغیرهای واسط

در این پژوهش متغیرهای واسط شامل نظارت و تعامل می‌شود.

نظارت: نظارت عبارت است از: دیده شدن توسط دیگران، شامل نظارت اتفاقی توسط دیگران یا نظارت به صورتی که از قبل مشخص شده باشد که می‌تواند خنثی یا کمک‌کننده به افراد در شرایط تهدیدآمیز باشد (حقیقت، ۱۳۹۲: ۸۱).

نظارت به دو صورت طبیعی و غیرطبیعی انجام می‌گیرد که با استفاده از ۵ گویه موردبررسی و سنجش قرار گرفته است.

تعامل: در این پژوهش تعامل برخورد های مردم با یکدیگر، نشستن و صحبت کردن با افراد آشنا و غریبه در محله می‌باشد (محقق ساخته)؛ که توسط ۱۲ گویه عملیاتی شده است.

یافته‌های توصیفی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۳۴/۷ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال قرار دارند. بیشتر زنان موردبررسی دارای تحصیلات دیپلم و ابتدایی هستند. در مورد وضعیت فعالیت، اکثریت زنان خانه‌دار بوده و تنها حدود ۱۳ درصد از آنان شاغل بودند. در مورد تعداد فرزندان که به دنیا آورده‌اند، زنان دارای بیش از دو فرزند با ۳۵/۲ درصد، بیشترین فراوانی را در بین پاسخگویان داشتند.

جدول ۱: توزیع درصد فراوانی پاسخگویان برحسب مؤلفه‌های زمینه‌ای

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
سن	۳۴,۷	۷,۲۶	۱۶	۵۲
تحصیلات	۱۲,۳	۲,۹۸	۵	۲۲
وضع فعالیت	۲	۰/۷۵	۱	۵
تعداد فرزندان	۳,۶	۱,۱۰	۰	۶

یافته‌های استنباطی

بررسی فرضیه اول: رابطه بین فضای شهری با احساس امنیت زنان

جدول ۲: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر / مؤلفه مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه آزمون	نوع رابطه
فضای شهری	احساس امنیت	۰/۲۲۰	۰/۰۲۵	تأیید	مستقیم

جدول فوق میزان و شدت همبستگی میان متغیرهای فضای شهری و احساس امنیت را نشان می‌دهد که فرضیه فوق تأیید شده است. مطابق جدول میزان همبستگی بین متغیر مستقل فضای شهری با متغیر وابسته در سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ۰/۰۱ بوده و ضریب همبستگی ۰/۲۲۰ است. نتایج نشان داد که رابطه معنادار و مستقیمی بین متغیر مستقل (فضای شهری) و متغیر وابسته (احساس امنیت) وجود دارد. به عبارتی با افزایش متغیر مستقل در بین زنان محله حاشیه‌نشین جهانگیرآباد، میزان متغیر وابسته (احساس امنیت) افزایش می‌یابد. در نهایت همبستگی کل بین متغیر مستقل و متغیر وابسته موردسنجش قرار گرفت، که میزان همبستگی آن با شدت ۰/۲۲۰ و سطح معناداری ۰/۰۲۵ فرض تحقیق را تأیید کرد. نتایج گواه این است که رابطه معناداری با شدت قوی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته وجود دارد. یعنی هرچه که افراد درک مثبت‌تری از فضای شهری داشته باشند و فضای شهری را خوب ارزیابی کنند، احساس امنیت بیشتری می‌کنند.

بررسی فرضیه دوم: رابطه بین ویژگی‌های غیر کالبدی فضای شهری با احساس امنیت زنان

جدول ۳: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر / مؤلفه مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه آزمون	نوع رابطه
ویژگی‌های غیر کالبدی فضای شهری	احساس امنیت	۰/۴۳۰	۰/۰۱۲	تأیید	مستقیم
عدالت	احساس امنیت	۰/۳۶۱	۰/۰۰۰	تأیید	مستقیم
تجربه شخصی	احساس امنیت	-۰/۴۷۹	۰/۰۰۰	تأیید	معکوس
شهرت فضا	احساس امنیت	۰/۱۶۲	۰/۰۰۴	تأیید	مستقیم

جدول فوق میزان و شدت همبستگی میان متغیرهای تحقیق (ویژگی‌های غیر کالبدی فضای شهری و احساس امنیت) را نشان می‌دهد و فرضیه‌های فوق تأیید شده است. مطابق جدول میزان همبستگی بین مؤلفه‌های مستقل با متغیر وابسته در سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ۰/۰۱ بوده و میزان همبستگی ۰/۴۳۰ است. نتایج نشان داد که رابطه معنادار بین متغیر مستقل ویژگی‌های غیر کالبدی و متغیر وابسته احساس امنیت وجود دارد. به عبارتی با افزایش هر یک از ابعاد متغیر مستقل (عدالت و شهرت فضا) بین زنان شهر خرم‌آباد، میزان متغیر وابسته احساس امنیت افزایش می‌یابد اما بین تجربه شخصی و احساس امنیت رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد به عبارت دیگر هرچه تجربه شخصی زنان از سرقت و مزاحمت بیشتر باشد، احساس امنیت آنان کاهش می‌یابد و برعکس.

بررسی فرضیه سوم: رابطه بین ویژگی های کالبدی فضای شهری با احساس امنیت زنان

جدول ۴: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر / مؤلفه مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه آزمون	نوع رابطه
ویژگی های کالبدی فضای شهری	احساس امنیت	۰/۳۴۱	۰/۰۰۰	تأیید	مستقیم
کاربری ها	احساس امنیت	۰/۲۲۲	۰/۰۰۰	تأیید	مستقیم
عناصر طراحی محیط	احساس امنیت	۰/۳۰۱	۰/۰۰۰	تأیید	مستقیم
شبکه های ارتباطی	احساس امنیت	۰/۲۲۷	۰/۰۰۰	تأیید	مستقیم

جدول فوق میزان و شدت همبستگی میان متغیرهای تحقیق (ویژگی های کالبدی فضای شهری و احساس امنیت) را نشان می دهد و فرضیه فوق تأیید شده است. مطابق جدول میزان همبستگی بین مؤلفه های مستقل با متغیر وابسته در سطح معنی داری کوچک تر از ۰/۰۵ و ۰/۰۱ بوده و میزان همبستگی ۰/۳۴۱ است. نتایج نشان داد که رابطه معنادار بین متغیر مستقل ویژگی های کالبدی فضای شهری و متغیر وابسته احساس امنیت وجود دارد. به عبارتی با افزایش هر یک از ابعاد متغیر مستقل بین زنان، میزان متغیر وابسته احساس امنیت افزایش می یابد. نتایج گواه این است که رابطه معناداری با شدت قوی بین متغیر مستقل ویژگی های کالبدی فضای شهری و متغیر وابسته احساس امنیت وجود دارد.

بررسی فرضیه چهارم: رابطه بین تعامل با احساس امنیت زنان

جدول ۵: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای واسط تحقیق

متغیر / مؤلفه مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه آزمون	نوع رابطه
میزان تعامل	احساس	۰/۰۳۴	۰/۴۰۵	رد	-

نتایج جدول فوق نشان می دهد که بین میزان تعامل زنان در فضای شهری و احساس امنیت آنان رابطه وجود ندارد. این فرضیه نیز که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون انجام شد نشان داد که با ضریب اطمینان ۰/۰۳۴ بین تعامل و احساس امنیت رابطه وجود ندارد، بنابراین فرضیه تأیید نمی شود.

بررسی فرضیه پنجم: رابطه بین نظارت با احساس امنیت زنان

جدول ۶: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای واسط تحقیق

متغیر / مؤلفه مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه آزمون	نوع رابطه
نظارت	احساس امنیت	۰/۸۱	۰/۰۱۶۲	تأیید	مستقیم
طبیعی	احساس امنیت	۰/۳۵۲	۰/۰۰۰	تأیید	مستقیم
غیر طبیعی	احساس امنیت	۰/۲۰۱	۰/۰۰۴	تأیید	مستقیم

جدول فوق میزان و شدت همبستگی میان متغیرهای رابط (نظارت و احساس امنیت) را نشان می‌دهد و فرضیه فوق تأیید شده است. مطابق جدول میزان همبستگی بین مؤلفه‌های مستقل نظارت با متغیر وابسته احساس امنیت در سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ۰/۰۱ بوده و میزان همبستگی ۰/۸۱ است. نتایج نشان داد که رابطه معنادار بین متغیر مستقل نظارت و متغیر وابسته احساس امنیت وجود دارد. به عبارتی با افزایش هر یک از ابعاد متغیر مستقل بین زنان، میزان متغیر وابسته احساس امنیت افزایش می‌یابد. نتایج گواه این است که رابطه معناداری با شدت قوی بین متغیر مستقل نظارت و متغیر وابسته احساس امنیت وجود دارد.

بررسی فرضیه ششم: رابطه بین سن با احساس امنیت زنان

جدول ۷: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر زمینه‌ای تحقیق

متغیر / مؤلفه مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه آزمون	نوع رابطه
سن	احساس امنیت	۰/۰۷۵	۰/۱۸۲	رد	-

جدول فوق میزان و شدت همبستگی میان متغیرهای زمینه‌ای تحقیق (سن و احساس امنیت) را نشان می‌دهد و فرضیه فوق رد شده است. مطابق جدول میزان همبستگی بین سن با احساس امنیت در سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ و ۰/۰۱ بوده و شدت همبستگی ۰/۰۷۵ است. نتایج نشان داد که رابطه معنادار بین متغیر زمینه‌ای سن و احساس امنیت وجود ندارد.

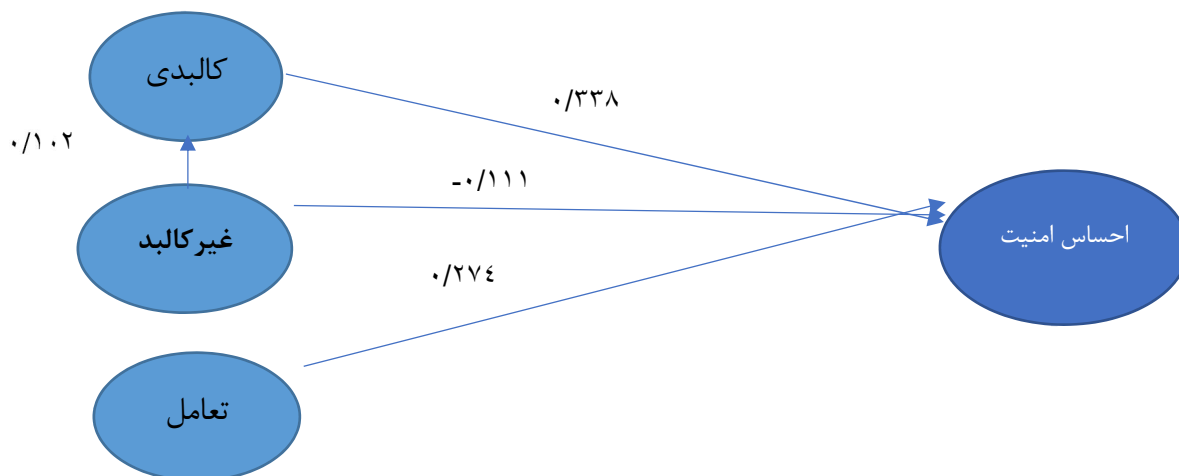
جدول ۸: نتایج حاصله از رگرسیون چند متغیره فرضیه‌های تحقیق

R ²	سطح معناداری	مقدار t	بتا	ضرایب استاندارد نشده		متغیرها
				اشتباه استاندارد	B	
۴۷/۷	۰/۰۰۰	۵/۱۰۰	-	۱/۴۴۱	۶/۷۳۲	مقدار ثابت
	۰/۰۲۴	۶/۸۸۹	۰/۳۳۸	۰/۰۰۶	۰/۱۰۱	ویژگی کالبدی
	۰/۰۰۰	-۲/۲۷۳	-۰/۱۱۱	۰/۰۱۴	-۰/۰۴۱	ویژگی غیر کالبدی
	۰/۰۰۰	۳/۷۸۹	۰/۲۷۴	۰/۰۴۰	۰/۰۳۲	نظارت

R^2 نشان می‌دهد که با استفاده از متغیرهای مستقل وارد شده در معادله می‌توان ۴۷/۷ درصد از واریانس مربوط به احساس امنیت را تبیین کرد. همچنین مقادیر مربوط به وزن استاندارد (β) و غیراستاندارد (b) متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که ویژگی‌های کالبدی، غیر کالبدی و تعامل بر میزان امنیت زنان تأثیرگذار است. بیشترین سهم از پیش‌بینی احساس امنیت زنان از آن ویژگی‌های کالبدی با ضریب بتای ۰/۳۳۸ و کم‌ترین سهم از آن ویژگی‌های غیر کالبدی فضای شهری با ضریب بتای -۰/۱۱۱ می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد احساس امنیت زنان به‌واسطه بهبود کیفیت ویژگی‌های کالبدی و غیر کالبدی و همچنین افزایش میزان نظارت می‌تواند در احساس امنیت زنان مؤثر باشد.

مدل تجربی پژوهش

تحلیل مسیر برای آزمون مدل‌های علی به کار می‌رود و مستلزم تنظیم مدلی به صورت نمودار علی است. این مدل به ما کمک می‌کند ببینیم در پی چه چیزی هستیم. در تحلیل مسیر از R^2 استفاده می‌شود؛ از این رو می‌توان میزان مناسب بودن مدل را ارزیابی کرد. با استفاده از وزن بتا مقدار اثر هر متغیر را تعیین کرد. تحلیل مسیر مشخص می‌کند اثر هر متغیر تا چه حد مستقیم و تا چه حد غیرمستقیم است. در نمودار مسیر باید متغیرها را بر اساس نظم علی مرتب کرد. متغیرهایی که وارد می‌کنیم به ترتیب متغیرهای علی مقدم در سمت چپ و متغیرهای علی متأخر در سمت راست قرار می‌گیرند تا رفته‌رفته به آخرین که همان متغیر وابسته است برسیم. فلش‌ها مشخص‌کننده تأثیرات علی مفروض هستند (دواس، ۱۳۸۶: ۲۲۲).



نمودار شماره ۱: مسیر متغیرها همراه با ضریب‌های مسیر آن‌ها

جدول ۹: تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (احساس امنیت زنان)

متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	تأثیرات کل
کالبدی	۰/۳۳۸	-	۰/۳۳۸
غیر کالبدی	۰/۱۱۱	۰/۱۰۲	۰/۱۱۳
تعامل	۰/۲۷۴	-	۰/۲۷۴

ضرایب مسیر نشان می‌دهند که از مجموع عوامل مؤثر بر احساس امنیت زنان، متغیر بعد کالبدی با ضریب ۰/۳۳۸ بیشترین تأثیر مستقیم بر احساس امنیت زنان داشته است.

با نگاهی به مدل تحلیل مسیر احساس امنیت می‌توان گفت که متغیر غیر کالبدی با -0.111 تأثیر مستقیم بر بعد کالبدی و تأثیر غیرمستقیم بر احساس امنیت داشته است.

با توجه به مجموعه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر روی متغیر احساس امنیت زنان، این متغیرها ۰/۱۵۲ از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند و ۸۴/۸٪ از واریانس متغیر وابسته توسط سایر متغیرهای دیگر تبیین می‌گردد؛ بنابراین مدل علی به دست آمده ۱۵/۲ درصد از تغییرات متغیر احساس امنیت را تبیین می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

موضوع این تحقیق تأثیر فضای شهری بر روی احساس امنیت زنان در محله حاشیه‌نشین جهانگیر آباد می‌باشد. این مطالعه درصدد بود که تأثیر فضای کالبدی و غیر کالبدی شهر را بر روی احساس امنیت زنان بررسی کرده و با ارائه

الگویی مناسب باروحیه زنان، مسئولین را در فراهم سازی بستر مناسب برای بالا بردن احساس امنیت زنان در فضاهای شهری یاری رساند. امروزه پیش از هر زمان دیگر مقامات محلی نگران امنیت شهری هستند. در واقع اقدامات در زمینه امنیت اکنون نیازمند سیاست های شهری گسترده تری است. امنیت شهری یک هدف مشترک است، که مترادف با آرامش عمومی و برخورداری از فضاهای عمومی صلح آمیز برای عبور و مرور قرار می گیرد. امنیت فضاهای شهری نقش بسزایی در ارتقاء سطح رفاه اجتماعی شهروندان به ویژه زنان به عنوان گروه های آسیب پذیر دارد. برنامه ریزی در این زمینه در وهله اول نیازمند شناخت میزان تأثیر ویژگی های فضای شهری (کالبدی و غیر کالبدی) بر احساس امنیت زنان است. براین اساس هدف پژوهش، پاسخگویی به سؤالات زیر بود:

۱. احساس امنیت زنان تا چه حد متأثر از فضای شهری است؟
۲. احساس امنیت زنان تا چه حد متأثر از بعد کالبدی فضای شهری است؟
۳. احساس امنیت زنان تا چه حد متأثر از بعد غیر کالبدی فضای شهری است؟
۴. تعامل اجتماعی زنان تا چه حد بر احساس امنیت زنان تأثیر می گذارد؟
۵. احساس امنیت زنان تا چه حد متأثر از نظارت است؟

طی دهه های اخیر مطالعات زیادی هم در داخل و هم در خارج کشور در رابطه با احساس امنیت انجام شده است. در عرصه مطالعات احساس امنیت، صاحب نظران زیادی به گونه مستقیم یا غیرمستقیم اظهار نظر کرده اند. نظریه های گوناگونی پیرامون موضوع احساس امنیت در فضاهای شهری از جمله نظریه فضای قابل دفاع اسکار نیومن، نظریه چشم های خیابان جین جیکوبز، نظریه پیشگیری از جرم به وسیله طراحی محیط، نظریه پنجره شکسته و نظریه فمینیستی از جمله نظریاتی هستند که در این پژوهش از آنها استفاده شد. هر یک از نظریه ها، بخشی از واقعیت را مورد تبیین قرار می دهند و هر کدام به یک یا چند عامل از عواملی که موضوع پژوهش را متأثر می سازند، پرداخته اند. از نظر جین جیکوبز (۱۹۶۱) مشکل عدم امنیت بسیاری از نقاط شهرها، گروه های جمعیتی بزهکاری یا فقیر نیست بلکه آنها به عنوان یک نقطه شهری، از نظر فیزیکی قادر به اعمال امنیت و سرزندگی ناشی از آن نیستند. از مهم ترین مؤلفه های برقراری امنیت در خیابان های شهری گشوده بودن چشم هایی رویه خیابان (قرارگیری ساختمان ها رو به خیابان) است. امنیت خیابان، در هر کجا که مردم از خیابان های شهر داوطلبانه و با آگاهی اندک از این که تحت مراقبت اند، استفاده کرده و از آن لذت می برند، به بهترین نحو حفظ می شود. اساسی برای چنین مراقبتی کمیت قابل توجهی از مغازه ها و سایر فضاهای عمومی است که در طول پیاده راه های یک محدوده پراکنده شده باشند. حضور فضاهای عمومی و بنگاه های اقتصادی که غروب و شب مورد استفاده قرار می گیرند به ویژه در این میان ضروری است. جین جیکوبز معتقد است حضور مردم در فضاهای شهری متعاقباً موضوعاتی را همچون ایمنی و امنیت اجتماعی را مطرح می سازد. فضاهای عمومی باید پذیرای کلیه اقشار، گروه های سنی و جنسی و اقلیت های اجتماعی در کلیه ساعات شبانه روز و در کمال امنیت باشد و هم زمان تسهیل دسترسی و آمدوشد را فراهم می سازد.

اسکار نیومن نیز معتقد است طراحی‌های محیط‌های مسکونی می‌تواند در پیش‌گیری از جنایت مؤثر باشد (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۱۲۰). او به بررسی مسائلی چون تأثیر شکل ساختمان بر توانمندی ساکنان در کنترل محیط پیرامونشان، تأثیر انواع ساختمان بر رفتار اجتماعی، تأثیر عوامل اجتماعی بر عوامل کالبدی و عوامل مؤثر بر جرم پرداخته است. در این پژوهش، احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی به واسطه نظریه فضای قابل دفاع، پنجره شکسته، نظریه پیشگیری از جرم به وسیله طراحی محیط و نظریه فمینیستی، مورد مطالعه قرار گرفت و مبتنی بر آن فرضیات طراحی شدند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۳۴/۷ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال قرار دارند. بیشتر زنان مورد بررسی دارای تحصیلات دیپلم و ابتدایی هستند. در مورد وضعیت فعالیت، اکثریت زنان خانه‌دار بوده و تنها حدود ۱۳ درصد از آنان شاغل بودند. در مورد تعداد فرزندان که به دنیا آورده‌اند، زنان دارای بیش از دو فرزند با ۳۵/۲ درصد، بیشترین فراوانی را در بین پاسخگویان داشتند.

در بخش آمار استنباطی نیز با توجه به هدف تحقیق و با مدنظر قرار دادن نوع متغیرهای و سطوح مقیاس آن‌ها و منطق آماری مورد نظر با استفاده از فرضیه‌های تحقیق، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر انجام شده است.

در مجموع نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حضور زنان در فضاهای عمومی که قابلیت استفاده همگانی را دارند، به دور از مخاطرات اجتماعی نمی‌باشد؛ و نتایج حاصل از پرسشنامه تکمیل شده در محله حاشیه‌نشین جهانگیرآباد مؤید این نکته است که، بین ویژگی‌های فضای شهری و احساس امنیت زنان رابطه‌ای معنادار وجود دارد. بدین معنا که هرچقدر که پاسخگویان از فضای شهری خود درک بهتری داشته باشند میزان احساس امنیت آن‌ها بالاتر است.

از آنجای که در این پژوهش فضای شهری به صورت دو بعد کالبدی و غیر کالبدی در نظر گرفته شده است، رابطه بین بعد کالبدی و غیر کالبدی با متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت، که وجود رابطه معنادار و مستقیم میان بعد کالبدی و غیر کالبدی فضای شهری و احساس امنیت زنان را نشان می‌دهد. یافته‌های پژوهش بیانگر این امر است که هرچه برداشت زنان در مورد بعد کالبدی و غیر کالبدی فضای شهری اطرافشان مثبت‌تر باشد میزان احساس امنیت آنان بالاتر می‌رود. بعد کالبدی فضای شهری با مؤلفه‌های کاربری‌ها، عناصر طراحی محیط و شبکه راه‌های ارتباطی با احساس امنیت زنان سنجیده شده است. نتایج نشان داد که همه مؤلفه‌های بعد کالبدی با احساس امنیت دارای ارتباط معنادار هستند. به طوری که هر چه کاربری‌های موجود در فضاهای شهری متنوع و جذاب‌تر باشد افراد احساس امنیت بیشتری می‌کنند و همچنین زمانی که عناصر طراحی محیط و شبکه راه‌های ارتباطی از کیفیت بالای ایمنی و جذابیت برخوردار باشند بر روی احساس امنیت زنان تأثیر مثبت می‌گذارد.

همچنین بررسی صورت گرفته در رابطه با بعد غیر کالبدی نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین این بعد از فضای شهری و احساس امنیت زنان وجود دارد. به طوری که هرچه عدالت جنسی در فضا بیشتر باشد احساس امنیت زنان در فضای شهری بیشتر می‌شود و هرچقدر که میزان تجربه منفی از قبیل سرقت، زورگیری، تنه زنی و... افراد کمتر باشد میزان احساس امنیت آنان بالاتر می‌رود و همچنین زمانی که فضای شهری از شهرت و خوش‌نامی برخوردار باشد میزان احساس امنیت زنان بالاتر می‌رود. نتایج مطالعات انجام‌شده توسط گلی (۱۳۸۹)، ضابطیان (۱۳۸۷)، اکبری و پاک بنیان (۱۳۹۱)، صدیق سروستانی و نیمروزی (۱۳۸۹)، بویل (۲۰۰۱)، متانی و لوبوا (۲۰۰۴) نیز تأیید این یافته را در مطالعه انجام‌شده در شهر خرم‌آباد به دنبال داشت. در مجموع، نتایج به دست آمده در این بخش مؤید نظریات فضای قابل دفاع نیومن، چشم‌های خیابان جیکوبز، پنجره شکسته ویلسون و کینگ و نظریه پیشگیری از جرم به وسیله طراحی محیط و فمینیست می‌باشد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین میزان تعامل زنان در فضای شهری و احساس امنیت آنان رابطه وجود ندارد. در این پژوهش ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین میزان نظارت و احساس امنیت زنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این معنا که به هر میزان ارزیابی زنان از میزان نظارت رسمی و غیررسمی از طریق پلیس، نگهبان محله، استفاده از دوربین در محلات و... افزایش یابد به همان میزان احساس امنیت آنان نیز افزایش می‌یابد. نتایج این پژوهش در این بخش با نتایج پژوهش نوروزی و فولادی سپهر (۱۳۸۸) همخوانی ندارد.

نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که میزان ضریب تعیین $47/7$ می‌باشد به این معنا که با استفاده از متغیرهای مستقل واردشده در معادله می‌توان $47/7$ درصد از واریانس مربوط به احساس امنیت را تبیین کرد.

در مجموع تحلیل مسیر نشان می‌دهد از مجموعه عوامل مؤثر بر احساس امنیت زنان، متغیر بعد کالبدی با ضریب $0/338$ بیشترین تأثیر مستقیم بر احساس امنیت زنان داشته است. با نگاهی به مدل تحلیل مسیر احساس امنیت می‌توان گفت که متغیر غیر کالبدی با $0/111$ - تأثیر مستقیم بر بعد کالبدی و تأثیر غیرمستقیم بر احساس امنیت داشته است. با توجه به مجموعه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر روی متغیر احساس امنیت زنان، این متغیرها $0/152$ از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند و $84/8$ از واریانس متغیر وابسته توسط سایر متغیرهای دیگر تبیین می‌گردد؛ بنابراین مدل علی به دست $15/2$ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

بنابراین، با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان اذعان نمود، اگر فضای کالبدی شهر بهبود یابد درعین حال فضای غیر کالبدی به گونه‌ای باشد که تبعیض جنسیتی در محله که باعث تجربه شخصی تلخی برای زنان می‌شود رخ ندهد و محله به ویژگی‌های ممتاز شهرت داشته باشد این عوامل باعث تعامل و مشارکت خوب و مفیدی در محیط شده و سرانجام از احساس امنیت زیادی برخوردار می‌شوند. از این دیدگاه، کیفیت فضای شهری تأثیر مثبتی بر احساس امنیت زنان دارد.

منابع

- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶). «راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران»، وزارت مسکن و شهرسازی.
- جیکوبز، جین (۱۳۸۸). «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی»، ترجمه: حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۹). «نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر»، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷). «ویژگی های محیطی فضاهای شهری امن»، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- کریز، راب (۱۳۹۶). «فضاهای شهری»، ترجمه: خسرو هاشمی نژاد، انتشارات خاک.
- لطفی، صدیقه؛ فرجی ملائی، امین؛ عظیمی، آزاده (۱۳۸۹). «تبیین سطوح امنیت در شهرهای گردشگری (مطالعه موردی: شهر توریستی بابلسر)»، همایش ملی امنیت در شهرهای ساحلی، بندرعباس.
- مدنی پور، علی (۱۳۷۹). «طراحی فضای شهری: نگرش بر فرایندی اجتماعی و مکانی»، ترجمه: فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.